

* برای فیلمهای الف، چهار هفته، فیلمهای ب: سه هفته و فیلمهای ج در هفته نمایش عمومی در نظر گرفته شده است.

* حتی المقدور سعی شده است که از یک تهیه کننده دو فیلم بصورت همزمان به نمایش عمومی گذارده نشود.

* حتی المقدور سعی شده است که خاتمه نمایش فیلم در گروهها بصورت همزمان صورت نپذیرد و نمایش فیلمهای جدید با تقدم و تاخر بگونه ای صورت پذیرد که در هر هفته فیلم جدیدی به نمایش گذارده شود.

* باتوجه به سیاست جهت گیری محتوایی، فیلمهای ارزشمند و با کیفیت مطلوب در بهترین زمان به نمایش گذارده می شود.

* در نمایش فیلمهای دفاع مقدس این نکته که بیش از دو فیلم بطور همزمان بر روی پرده نروند حتی المقدور لحاظ گردیده است.

* نمایش فیلمهای کودک، نوجوان و جوانی که به سبب نمایش می پذیرد.

* در نمایش فیلمهای دفاع مقدس این نکته که بیش از دو فیلم بطور همزمان بر روی پرده نروند حتی المقدور لحاظ گردیده است.

* نمایش فیلمهای کودک، نوجوان و جوانی که به سبب نمایش می پذیرد.

در گروه سینمایی موزون تا پایان شهریور ماه سال جاری به نمایش گذارده نمی شوند.

۴- جدول گروههای سینمایی تهران

گروه یک: شهر تماشا - آفریقا - رنگین کمان - آسیا - البرز - پیروزی
 گروه دو: بهمن - استقلال - ملت - پیوند - ارم - جام جم
 گروه سه: مرکزی - مراد - نلسطین - شهر تشنگ - توسکا - رودکی
 گروه چهار: قدس - آستارا - تهران - سایه - سارا - سیده
 گروه هنری: عصر جدید - شهر قصه -
 کودک و نوجوان: فرهنگ - ماندانا - سعدی - بلوار - ستاره -

ناهید

گروه یک	گروه دو	گروه سه	گروه چهار	گروه پنج	گروه شش
لیان عشق من	بانک	مفت گذرگاه	پیک		
فانج	شیخ مفید	قانون	سلا		
دوبای صادق	ضیافت	دکل	بازر		
بازبهای تهران		بدر	پوی		
		برج مینو	سفر		
	پارک	بازی پارک	کبه		
	از برداشت		پیک		
	نجات یانگان	نخل صیحت	پیک		
		همه کاشدی	دشمن		

کدام «سینمای هنری»؟

جایگاه فیلمهای فرهنگی و هنری! - در همهی مراحل - از مرحلهی پیش تولید تا نمایش و اکران عمومی آنها - حمایت کرده اند؟ این سؤالی است که دیر یا زود باید به آن پاسخ گفته شود.

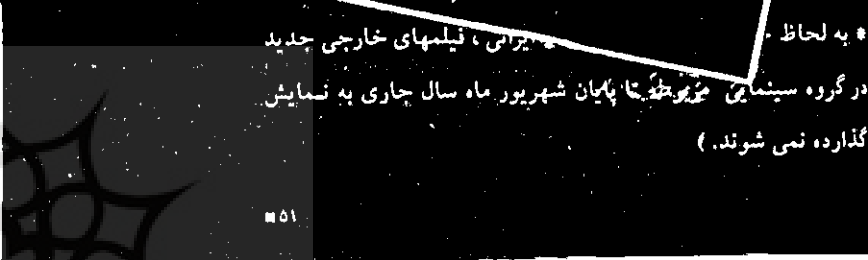
از تماشاگران فیلمهای یاد شده بخواهید تصویر ذهنی شان را از «فیلم هنری» برایتان بیان کنند. تردید ندارم، اغلب، - حق به جانب -، خواهند گفت:

فیلم هنری، فیلمی است که مخاطب عام نمی تواند با آن ارتباط برقرار کند!

اما، به راستی این تعریف پرت و بی بنیاد از «سینمای هنری»، از کجا و چگونه پدید آمده است؟ جز این است که نمایش چنین آثاری در گروه سینماهای منتسب به «هنری»، در نهایت، به نضج گیری چنین تصویری از «سینمای هنری» در نزد علاقه مندان سینما در کشور ما دامن زده است؟ (مصادیق) نادرست و نابجا ارائه شده اند.

در دفترچهی سیاستها و برنامه های اجرایی سینمای ایران در سال ۱۳۷۵، بار دیگر تقسیم بندی سینماها به گروههای «هنری» و «لاجرم - غیر هنری» - گروههای همطراز و ... به چشم می خورد. به این ترتیب که: مثلاً سینماهای عصر جدید و شهر قصه در گروه «هنری» جای گرفته اند. جالب این که در جدول اکران فیلمها، چنان برنامه ریزی شده است تا فیلمهایی در ردیف «ساز و ستاره»، «زمین آسمانی»، «عاشق فقیر»، «مادرم گیسو»، «یک داستان واقعی» و «عاشقانه» در این سینماها به نمایش در آیند. بنابراین باید فیلمهایی در ردیف «زمین آسمانی»، «ساز و ستاره»، «یک داستان واقعی» و ... را آثاری «هنری» تلقی کنیم و طبیعاً بر اساس این تقسیم بندی، فیلمهایی چون «برج مینو»، «بازمانده»، «ضیافت»، «بدر» و ... را فیلمهایی «غیر هنری» بشناسیم!

به باور نگارنده، اگر قرار باشد مطابق دیدگاههای معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سیاست «حمایت از سینمای فرهنگی» جامه ی عمل پوشانده شود، در آن صورت دیگر سخن گفتن از «گروههای همطراز سینماهای نمایش دهنده ی فیلمها»، امری غیرمنطقی و غیر اصولی خواهد بود. دلیل، کاملاً روشن است: به نظر شما آیا نمایش دو فیلم «برج مینو» و «نخل منجبت» در «گروههای همطراز» در کنار طرح سیاست «حمایت از سینمای فرهنگی»، قابل توجه خواهد بود؟ و آیا - مثلاً - «ویرانگر» باید در گروه سینمایی نمایش داده شود که فیلمی چون



شهاب شهرزاد

□ شما چه تصویری از «فیلم هنری» در ذهن دارید؟ آیا به نظر شما، دسته بندی آثار سینمایی به دو بخش «هنری» و «تجاری» در اساس، تقسیم بندی درست و بسامانی است؟

آن چه پیدا است؛ با اشاره به این نکته که: فلان فیلم در یک «سینمای هنری» در معرض تماشای عموم گذارده شده است، تماشاگران نیز با این پیش فرض و پیش آگاهی به تماشای آن خواهند رفت که: شاهد یک «اثر هنری» خواهند بود.

بنابراین، درک و پنداره ای که این تماشاگران از «فیلم هنری» خواهند داشت، معمولاً به ویژگیهای آن اثر، منحصر خواهد شد.

به عنوان مثال، نمایش فیلمهایی در ردیف: درد مشترک، هبوط، بلندیهای صفر، سلام سینما و ... در گروه سینماهای موسوم به «هنری» به نظر شما در پی چه انگیزه های و پر پایهی چه دیدگاهی انجام پذیرفته است؟ به راستی چه کسانی و با چه انگیزه های فیلمهایی از این دست را واجد شرایط نمایش در گروه سینماهای به اصطلاح «هنری» دانسته و آنها را متطبق بر ملاکها و معیارهای یک «اثر سینمایی هنری» شناخته و شناسانده اند؟

توجه داشته باشید فیلمهایی چون درد مشترک، بلندیهای صفر، هبوط و ... بیش از اینها -، نارونی، نقش عشق، ناصرالدین شاه آکتور سینما و ... همگی با استفاده از امکانات و تهیلات دولتی، وامهای کلان بانکی، یارانه و غیره به تولید رسیده اند. تهیلاتی که شاید، گاه به سختی در اختیار سینماگران صاحب اندیشه و متعهد قرار گیرد. به راستی چه کسانی از این آثار، - در

خرداد ۱۳۷۵ / شماره ۱ / دوازدهم اسفند ماه ۱۳۷۵

سینما تئاتر

۶- اسامی فیلمهای گروه کودک به ترتیب نمایش

- ۱- شکار شیخ
- ۲- کوچه و موزه
- ۳- خفتگان بیدار
- ۴- قصه های بازار
- ۵- قلعه دنیا
- ۶- یحیی
- ۷- تعطیلات تابستانی
- ۸- دره هزار فانوس
- ۹- تنگنا
- ۱۰- شاخ گار
- ۱۱- طالع سعد
- ۱۲- ماه مهربان
- ۱۳- خواهران غربی
- ۱۴- حسرت
- ۱۵- عصیان
- ۱۶- اشک و لیخند
- ۱۷- بشیر
- ۱۸- آنا، آنا
- ۱۹- تام و جری

۷- اسامی فیلمهای گروه مخاطب خاص

- ۱- ساز و ستاره
- ۲- زمین آسمانی
- ۳- عاشق فقیر
- ۴- مادرم گیسو
- ۵- یک داستان
- ۶- عاشقان
- ۷- بودای کوچک
- ۸- کارانیا کارانیا
- ۹- طبیعت السونگر
- ۱۰- مالکوم ایکس
- ۱۱- گاستی پارهویزه

از آغاز سال ۷۵ به شرح جدول زیر خواهد بود

درجه	سینما درجه یک و درجه دو		تعداد
	تجدید پروانه	تجدید پروانه اول	
۸۲۵	۲۳۰	۲۳۰	۸۲۵
۸۲۰	۲۳۰	۲۳۰	۸۲۰

سطحی، صیقل می یابد. سینماگران فرهنگی را به ساخت و تولید آثار در خور توجه تشویق می کند و از این گروه به حق چهره های موجه می سازد. به گزراه ای دیگر: سینماگران فرهیخته و اندیشمند و موضوعات فرهنگی جدی و تفکر برانگیز، میزان استقبال عمومی از آثار سینمایی را تحت تأثیر قرار می دهند نه ستاره های جوان فریب و خوش منظر ویترونی، چهره های ظاهرالصلاح هنرپیشه های تقلبی و جاذبیت های رویه ای و فاقد عمق و اما همچنان که بارها گفته ام - و گفته شده است - متأسفانه در کشور ما، به تقلید از سنت و عرف رایج در جشنواره های غربی و اروپایی، «سینمای هنری» به عنوان یک پدیده ی «مدرن» و «انترنشنال» شناسانده شده و بدیهی است که بازآمدی چنین پیشی همان تعریفی است که از «فیلم هنری» در این جا از آن، یاد می شود.

اغلب آثاری که تاکنون در گروه سینماهای هنری به نمایش درآمده اند، در چند ویژگی، اشتراک دارند: همگی آنها، فاقد جاذبیت های ساختاری و درونمایه ای سالم، برای ارتباط با سینما روها (مخاطبان اصلی سینما، به عنوان یک رسانه ی فراگیر فرهنگی) اند.

همه ی آنها، آثاری تخیلی، کسالت بار، معمولاً باضرباهنگ کند و در برگیرنده ی افاضات شبه روشنفکری و حرفه ای گنده ی دهان پرکن - اما میان تخی - مغلط گویی، پیچیده نمایی، اغجاب آفرینی و ... اند. به گونه ای که مخاطب عام سینما، خود را در برابر فیلم، موجودی ناتوان می یابد که از برقراری ارتباط با آن عاجز است!

فیلم هنری فیلمی است با مخاطبان محدود و کم شمار که معمولاً «مخاطبان خاص» نامیده می شوند ...

فیلم هنری فیلمی است که برای برقراری ارتباط با آن پیش از ورود به سالن سینما باید جزوهای در برگیرنده ی انکار و عقاید و خاستگاههای فرهنگی و اجتماعی سازنده اش و نیز نمانه هایی که در فلج به کار گرفته شده اند. - را مرور کرد تا در این صورت، شاید به درک، تصورات ذهنی و سوئیکیز تصویر شده بر پرده ی سینما، نایل آید...

فیلم هنری فیلمی است که ... باری، می توان همچنان ادامه داد. اما آیا به راستی آن چه از سینما به عنوان یک ابزار هنری، در کشور ما انتظار می رود، تناسبی با این ویژگیها و تعاریف دارد؟ آیا از نگاه متولیان امور سینمایی کشور، به راستی آثاری در ردیف: «یک داستان واقعی»، «شبوط»، «ساز و ستاره»، «در کمال خونسردی»، «بلندیهای صفر»، «عاشق فقیر» «عاشقانه» و ... فیلمهایی هنری محسوب می شوند؟

البته نگارنده بعید می داند که متولیان فعلی امور سینمایی کشور - که در به وجود آمدن چنین وضعیتی نقشی نداشته اند - از این دسته آثار، در جایگاه فیلمهای فرهنگی و هنری یاد کنند. پس واقعاً چگونه است که چنین پیشی در عمل، همچنان به تلقی نادرستی که از «سینمای هنری» در کشور ما وجود دارد دامن می زند؟ آیا جز این است که بیش از این، و تا به اکنون، حمایت بخش دولتی از آثاری در این ردیف، به ارائه ی الگویی بیمار و نامناسب از سینمایی فرهنگی و هنری در کشور ما انجامیده است؟ به هر روی گمان می رود، زمان آن فرارسیده است تا با ژرفکاو، در این باره اندیشه کنیم:

«آیا رسالت سینما، در کشور اسلامی ما، به عنوان یک هنر، و یک رسانه ی فراگیر فرهنگی، همانی است که در آثار یاد شده، تاکنون به نمایش گذارده شده است؟»

پاسخ این پرسش، در عملکرد آتی متولیان امور سینمایی نهفته است. ■

«ضیافت» در آنها به تماشا گذارده می شود؟ به گزارده ای روشن و صریح باید گفت: سیاست حمایت از تولید فیلمهای فرهنگی، زمانی معنا پیدا می کند که عملکرد ما منجر به تقویت این گونه آثار شود. برای تماشاگران عام و خاص سینما، باید امری بدیهی باشد که: «سینماهای ممتاز و درجه ی یک قطعاً فیلمهای خوب و با ارزش را به نمایش می گذارند».

بنابراین، اتفاقاً باید سینماها را به چند گروه غیر همطراز دسته بندی کرد. سپس فیلمهای با ارزش را در بهترین سینماها و فیلمهای غیر فرهنگی و بازاری را در سینماهای کم مخاطب و نامرغوب - درجه ی دو و سه -، به نمایش گذارد. در این صورت می توان ییوسان آن بود که به تدریج سلیقه ی سینما روهای ما سیری بالا رونده یابد. آن گاه، فیلمهای فرهنگی - و هنری - به جایگاه پر فروش ترین آثار سینمایی سال، دست خواهند یافت و برعکس: فیلمهای ناسالم و بازاری - بساز و بفروشا، که در پس آنها اندیشه ای کاسبکارانه موج می زند، - بدین ترتیب -، به کم مخاطب ترین و کم فروش ترین فیلمها تبدیل خواهند شد و ... بازار کاسبکاران سینمایی، خود به خود به کساد خواهد گرایید.

در این بین البته می توان چند سینمای «فاقد رتبه ی مطلوب» را نیز - تحت هر عنوانی، به جز «هنری» - به فیلمهایی چون «زمین آسمانی»، «یک داستان واقعی» و مشابه آنها اختصاص داد. نه این که آثار یاد شده را به نام فیلمهای هنری در چند سینمای مرغوب شهر - که از قضا پُر به اصطلاح روشنفکری هم دارند! - به روی پرده آورد!

به علاوه باید به این نکته اندیشید که آیا چنان که در تقسیم بندی دفترچه ی سیاستها و ... آمده است، فیلمهایی در ردیف: کارانیا، مالکوم ایکس، ساتا جیت رای، بودای کوچک و ... در حد و اندازه های آثاری چون «مادرم گیسو»، «یک داستان واقعی» و فیلمهایی از این دست اند؟ (همه ی این آثار به - اشتباه - در یک گروه جای گرفته اند).

به باور من عمل به پیشنهادی که شرح آن رفت، فواید بسیاری در بر خواهد داشت. از جمله این که:

- به تقویت بنیه ی اقتصادی «سینمای فرهنگی، جدی و اندیشمندانه» خواهد انجامید؛ چرا که اگر فیلمهای خوب و فرهنگی در بهترین سینماها به نمایش درآیند، طبعاً فروش بسیار خوبی خواهند داشت.
- به طرد یا انزوای تدریجی کاسبکاران، سوداگران و بساز و بفروشهای سینمایی، از حیطه ی سینمای کشور خواهد انجامید و پاکسازی تدریجی سینمای ایران را از عناصر نامطلوب و تاجرپیشه به دنبال خواهد آورد. چرا که اگر فیلمهای ضعیف بازاری و به اصطلاح تجاری در بدترین و کم مخاطب ترین سینماها به نمایش درآیند، وجهه ی کاذب فرهنگی را از چهره ی مولدین این «فیلم باطله ها» می زداید و آنها را با یک فروش بالا و سرمایه باد آورده رو به رو نمی سازد تا به کار در حیطه ی سینمای کاسبکارانه ادامه دهند.

- سلیقه و پسند ممتاز تماشاگران سینماها را بیدار خواهد کرد. چرا که آنها در سینماهای مورد علاقه شان - بهترین سینماهای شهر با فیلمهای فرهنگی خوب، با ارزش و جذاب - واجد جاذبیت های سالم نهفته در عمق - مواجه می شوند و به مرور، آینه ی پسندشان از سموم جاذبیت های کاذب و